

(رازی، ۲/۴۷۶). گفته‌اند که در مذهب تشیع تعصب بسیار داشت (خلیل، کاشانی، همانجا).

ادهم غالباً در سیر و سفر بود و بیشتر روزگار خود را در بغداد و تبریز سپری کرد (آذر، همانجا). در تبریز دل به جوانی باخت و سرانجام به دست او کشته شد (آذر، همانجا، زنوزی، ۲/۷۹۰).

ادهم اگر چه در سرودن شعر در قالبهای مختلف به ویژه غزل توانا بود (سام میرزا، ۲۴۵)، اما بیشتر اشعار وی در قالب رباعی است (نفیسی، ۴۴۷/۱). نسخه‌ای از دیوان اشعار او در کتابخانه بنیاد خاور شناسی فرهنگستان تفلیس موجود است (دانش پژوه، ۱۸۰).

مآخذ: آذر بیگدلی، لطفعلی، آتشکده، بمبئی، ۱۲۷۷ق؛ خلیل، علی ابراهیم خان، صفح ابراهیم، به کوشش عابد رضا بیدار، پته، ۱۹۸۱م؛ دانش پژوه، محمدتقی، نسخه‌های خطی در کتابخانه‌های اتحاد جماهیر شوروی، تهران، ۱۳۵۸ ش؛ رازی، امین احمد، هفت اقلیم، به کوشش جواد فاضل، تهران، ۱۳۴۰ ش؛ زنوزی، محمد حسن، ریاض الجنّة، نسخه خطی کتابخانه ملی تبریز، شه ۳۵۷۸؛ سام میرزا صفوی، تحفه سامی، به کوشش رکن الدین همایون فرخ، تهران، ۱۳۲۷ ش؛ کاشانی، تقی‌الدین، خلاصة الاسعار و زیدة الانکار، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورا، شه ۳۳۴؛ نفیسی، سعید، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، تهران، ۱۳۴۴ ش. کامران کسانی

ادیب اَحمَد یوکنکی (سده ۶ق/۱۲م)، فرزند محمود از نخستین شاعران بنام و برجسته ادبیات ترک - اسلامی.

دانسته‌های ما درباره زندگی ادیب احمد اندک و محدود به آگاهی‌هایی است که از تنها اثر برجای مانده‌اش هبة الحقائق (یا عتبة الحقائق، یا عیبة الحقائق) و نیز ۳ پیوست آن به دست می‌آید. ادیب احمد در یوکنک (محلی احتمالاً در سمرقند یا جنوب تاشکند) زاده شد (نک: ارسلان، ۲/۵۴؛ بانارلی، ۲۴۳؛ «آثار...»، ۱۵۹-۱۵۸؛ درباره یوکنک، نک: سمعانی، ۱۳/۵۳۳-۵۳۴؛ سیوطی، ۱۸۷؛ کوالسکی، ۴۵۶؛ یاقوت، ۴/۱۰۴۴). گویند ادیب احمد از هنگام تولد نابینا بود، با این حال فارسی و عربی را فراگرفت و از تفسیر، حدیث و سایر علوم و معارف اسلامی بهره کافی یافت و به سرودن اشعار پندآمیز و به گفته خود او «مواعظ» روی آورد. بعدها برخی از ابیات او مثل سائر شد (نک: بانارلی، ۲۴۳-۲۴۱؛ علیشیر، ۳۹۱)، روشن نیست که ادیب احمد نزد چه کسانی به تحصیل زبان فارسی و عربی و معارف اسلامی پرداخته است. گفته‌اند که ابوحنیفه استاد وی بوده است؛ اما با توجه به اینکه ابوحنیفه در ۱۵۰ق در گذشته است، این سخن درست نیست (نک: کوپرلی زاده، ۲۵۶-۲۵۷؛ بانارلی، همانجا).

منظومه هبة الحقائق پس از قوتادقو بیلیگ^۲ (تألیف: ۴۶۲ق/۱۰۷۰م) اثر یوسف خاص حاجب، کهن‌ترین اثر ادبیات ترک - اسلامی به شمار می‌آید («دائرة المعارف...»، ۵۰/IV)، نام این اثر را به اختلاف هبة الحقائق (نجیب عاصم، ۹؛ فورشرانف، ۲۰)، عیبة الحقائق (کوپرلی زاده، ۲۵۵) و عتبة الحقائق (تمیر، ۲۶۷؛ «دائرة المعارف...»)

زیرا صائب تبریزی (د ۱۰۸۱ق) یکی از اشعار او را در یکی از غزلهای خویش تضمین کرده است (آزاد بلگرامی، همانجا؛ صدیق حسن خان، همانجا).

ادهم ابیاتی در ستایش خاندان عصمت سروده است (نک: نصرآبادی، ۳۵۹؛ گلچین معانی، ۸۰، ۸۲، ۸۹). گفته شده که وی دیوان مختصری داشته است (آزادبلگرامی، ۷۸)، برخی شمار اشعار وی را ۵ هزار (صدیق حسن خان، همانجا) و برخی دیگر چون صاحب قصص الخاقانی بیش از ۱۰ هزار بیت دانسته‌اند (گلچین معانی، ۷۸). به نظر می‌رسد نسخه‌ای که با عنوان دیوان ابراهیم ادهم در کتابخانه‌ها موجود است (نک: منزوی، خطی، ۳/۲۲۲؛ نوشاهی، ۴۷۲)، متعلق به ادهم دیگری است (نک: منزوی، خطی مشترک، ۷/۹۳۵-۹۳۶).

گلچین معانی، «ساقی نامه» وی را که احتمالاً بخشی از دیوان او بوده، در تذکره پیمانه به چاپ رسانده است (ص ۸۱-۹۰). این «ساقی نامه» که مشتمل بر قریب ۲۳۰ بیت است، در شیوایی و استواری و شهرت به مرتبه ساقی نامه پدرش نمی‌رسد. گلچین معانی یک مثنوی در تتبع مخزن الاسرار و مثنوی دیگری با عنوان رفیق السالکین نیز به وی نسبت داده است (ص ۷۸). از آنجا که این دو مثنوی در نسخه خطی دیوانی آمده (نک: منزوی، همانجا) که احتمالاً سراینده آن کسی دیگر است، در انتساب این مثنوی نیز به وی می‌توان تردید کرد.

برخی نیز از هار گلشن یا درة التاج را از میرزا ابراهیم ادهم دانسته‌اند (نک: دانش پژوه، ۱۲۱/۴؛ مرکزی، ۳۸۳۹/۱۴)، اما این منظومه نیز از آن کسی دیگر به نام ابراهیم بردعی تبریزی هیتی گلشنی متوفای ۹۴۰ق است (شورا، ۸/۳۱۷).

مآخذ: آرزو، علی، مجمع التفانی، به کوشش زیب النساء سلطان علی، تهران، ۱۳۵۶ ش؛ آزاد بلگرامی، غلام علی، مآثر الکرام (سرآزاد)، به کوشش عبدالله خان، لاهور، ۱۹۱۳م؛ آفتاب رای لکهنوی، ریاض المارقین، به کوشش حسام الدین راشدی، ۱۳۹۶ق/۱۹۷۷م؛ پارسا، عبدالرحمان، ارمغان، ۱۳۱۷ ش، ص ۱۹، شه ۱۰۰؛ دانش پژوه، محمد تقی و ایرج افشار، «ازهار گلشن»، نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، نسخه‌های خطی، تهران، ۱۳۲۴ ش؛ سرخوش، کلمات الشعراء، به کوشش صادق علی دلاوری، لاهور، ۱۹۴۲م؛ سیدعلی حسن خان، صبح گلشن، کلکته، ۱۲۹۵ق؛ شورا، خطی؛ صدیق حسن خان، محمد، شمع انجمن، بهیوال، ۱۲۹۳ق؛ صفاء، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، تهران، ۱۳۶۴ ش؛ عبدالنئی، محمد، تذکرة الشعراء، به کوشش محمد مقتدی خان شروانی، علی‌گه، ۱۹۱۶م؛ کنن‌چند، اخلاص، همیشه بهار، به کوشش وحید قریشی، کراچی، انجمن ترقی اردو؛ گلچین معانی، احمد، تذکره پیمانه، مشهد، ۱۳۵۹ ش؛ مرکزی، خطی؛ منزوی، خطی؛ همد، خطی مشترک؛ نصرآبادی، محمد طاهر، تذکره، تهران، ۱۳۱۷ ش؛ نوشاهی، عارف، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، راولپندی، ۱۳۵۰ ش.

آدهم کاشانی، میرزا ابراهیم (م ۱۵۶۲ق/۱۵۶۹م)، شاعر شیعی مذهب، موطن او کاشان است (خلیل، ۷؛ آذر، ۲۴۳). از تاریخ ولادت او آگاهی در دست نیست. وی دانشهای رایج زمان خویش را آموخت و محضر بسیاری از شاعران و دانشمندان هم عصرش را دریافت (خلیل، همانجا؛ کاشانی، ۲۷۳/۸). افزون بر این، در شطرنج نیز مهارت داشت